

نقش اخلاق حضرت محمد (ص) در ترویج حقوق شهروندی و تجلی آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و منشور حقوق شهروندی

سعید رادمرد^۱

چکیده

بحث در مورد حقوق بشر و شهروندی از مباحث مطرح و مهم جهان معاصر می باشد که مورد توجه اندیشمندان و صاحبان نظران مکاتب حقوقی مختلف قرار گرفته است. در این میان سیره پیامبر گرامی اسلام (ص) برای تدوین منشور رفتار شهروندی، بهترین ملاک و معیار محسوب می شود؛ زیرا مهم ترین خاستگاه حقوقی در اندیشه اسلامی قرآن کریم است که کرامت را که بشریت در عرصه ارتباطات فردی، اجتماعی، سیاسی، بین المللی بدان نیازمند است، به بهترین صورت برای جوامع بشری به ارمغان آورده است. پیامبر اکرم (ص) هسته اولیه امت وسط و الگو را پی ریزی فرمود، و پس از اندک زمانی به یثرب رفت، و یثرب را با ترویج حقوق شهروندی بر طبق آیین قرآن و اخلاق خود، به «مدینه النبی» تبدیل کرد؛ بنابراین ضرورت دارد این سوال مهم پرسیده شود که اخلاق پیامبر چه تاثیری در ترویج حقوق شهروندی داشت؟ و این مهم چگونه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و منشور حقوق شهروندی دولت تدبیر و امید متجلی گشته است؟ این نوشتار به روش کتابخانه ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی با هدف تبیین رفتار پیامبر (ص) در ترویج حقوق شهروندی نگاشته شده و به این نتیجه دست یافته است که شیوه اخلاقی پیامبر موجب ترویج و دعوت به وحدت و برادری، جلوگیری از اختلاف و تفرقه، حق کرامت، حق امنیت، حق آسایش و تقسیم درست امکانات، آزادی بیان و مذهب، حق مالکیت، حق دادرسی یکسان در برابر قانون که از جمله مولفه های راستین حقوق شهروندی است، گردید و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و منشور توسعه خواه حقوق شهروندی دولت مورد تاکید قرار گرفته است و محور عملکرد گفتمانی دولت می باشد.

واژگان کلیدی: حضرت محمد (ص)، حقوق شهروندی، قانون اساسی، منشور حقوق شهروندی.

۱- مربی گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، ایران.

مقدمه

نظر به کرامت و ارزش والای انسان در شریعت مبین اسلام؛ نظر جایگاه رفیع انسان که در آیه شریفه ۷۰ در سوره مبارکه اسراء مورد تاکید قرار گرفته است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا (بر مرکب‌ها) بر نشانیدیم، و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم، و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم)؛ نظر به فرمایش گهربار حضرت امام علی (ع): «جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ حَقُوقَ عِبَادِهِ مَقْدَمَهُ لِحَقُوقِهِ فَمَنْ قَامَ بِحَقُوقِ عِبَادِ اللَّهِ كَانَ ذَلِكَ مُؤَدِّيًا إِلَى الْقِيَامِ بِحَقُوقِ اللَّهِ تَعَالَى» با این ترجمه که «خداوند سبحان حقوق بندگانش را بر حقوق خودش مقدم دانسته است پس هر که حقوق بندگان را رعایت کند، این امر به ادای حقوق خداوند منجر خواهد شد». نظر به اصول متعددی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از جمله اصول مندرجدر فصل سوم در مورد حقوق ملت؛ نظر به فراز تاریخی صدور فرمان هشت ماده‌ای رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (قدس سره) درباره حقوق مردم، قانون، قوه قضاییه و لزوم اسلامی‌شدن روابط و قوانین، (در تاریخ ۲۴ آذر ماه سال ۱۳۶۱)؛ نظر به دیدگاههای معظم له، در موضوع حقوق شهروندی: «من مکرر اعلام کرده‌ام که در اسلام نژاد، زبان، قومیت و گروه و ناحیه مطرح نیست. تمام مسلمین - چه اهل سنت و چه شیعی - برادرو برابر و همه برخوردار از همه مزایا و حقوق اسلامی هستند» (منشور حقوق شهروندی ۱۳۹۵: ۱).

رکن اساسی آئین اسلام، و حقوق شهروندی آن که در تمامی عرصه‌ها اثر خود را می‌گذارد، اندیشه ناب و کامل توحید است. از دیدگاه اسلام، نه تنها خداوند متعال خالق هستی است (توحید در خالقیت)؛ بلکه همو به تنهایی و بدون هیچ شریکی جهان را تدبیر می‌کند (توحید در ربوبیت تکوینی) و نیز قوانین حاکم بر شهروندان و جوامع بشری را وضع می‌کند (توحید در ربوبیت تشریحی) و شهروند مکلف است که تنها از دستورات و قوانین او اطاعت کند (توحید در عبودیت) تا بتواند شهروندی نمونه برای باری تعالی بوده و با عمل به حقوق شهروندی که از طرف شارع مقدس وضع شده سعادت دنیا و آخرت خود را تضمین نماید. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) که به عنوان نماینده خدا بر زمین است که نقش مهمی در ترویج و تاسیس حقوق شهروندی داشتند. بنابراین این سوال مهم پیش می‌آید که نقش اخلاق تربیتی پیامبر در ترویج حقوق

شهروندی چه بود؟ و این مهم چطور در تئوری و پراتیک دولت تدبیر و امید مورد تاکید مجدد قرار گرفته است؟

پیامبر اکرم بعد از هجرت به یثرب، مدینه‌النبی را تاسیس کرده و حقوقی را برای شهروندان تاسیس نموده و با گفتار، منش و رفتار کریمانه خود به ترویج این حقوق پرداختند.

حقوق شهروندی به منظور ایجاد توازن در شخصیت، آسایش خاطر و اجتناب از مورد سوء استفاده قرار گرفتن و نادیده گرفته شدن انسانی توسط دیگران، بسیار حیاتی می باشد. و انتخاب‌ها، رفتار، ارزش‌ها و نیازهای مشروع و به حق انسانها را روشن می گرداند. هیچ اهمیتی ندارد که انسانها در چه سن و سال و موقعیتی باشند، همه افراد ارزشمند و قابل احترام می باشند. با توجه با اهمیت بحث، این نوشتار با عنوان «نقش اخلاق پیامبر در ترویج حقوق شهروندی» به روش کتابخانه ای و به شیوه توصیفی نگاشته می شود و سعی می کند رفتار و اخلاق پیامبر را در ترویج حقوقی مثل حق علم آموزی، عدم تفتیش عقاید، تساوی زنان و مردان و ... که از اصول قانون اساسی و مندرج در منشور حقوق شهروندی ایران در دولت تدبیر و امید می باشد، روشن سازد.

مفهوم شناسی

قبل از ورود به بحث اصلی، لازم است برخی واژگان از نظر لغوی و اصطلاحی شرح داده شوند.

حق

در لغت عربی برای حق و همچنین مشتقات آن معانی مختلفی ذکر شده است و در علم فقه، حقوق و حتی فلسفه تعریف‌های گوناگونی ارائه شده است، لکن در لغت عرب می‌توان آن تعاریف را به یک معنا بازگرداند و آن معنا به اعتبار وجه مصدری حق «ثبوت» و به اعتبار وجه وصفی آن «ثابت» می‌باشد (گرجی، حق و حکم و فرق میان آنها، ۱۳۶۴: ۲۹)؛ از این رو، بر هر چیزی که دارای نوعی ثبوت و وجوب است، حق اطلاق می‌گردد (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۰ و فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳-۶). چه ثبوت آن حقیقی باشد مانند وجود خداوند سبحان و یا اعتباری باشد مانند خیارات. در اصطلاح فقه و حقوق نیز حق عبارت است از توانایی خاصی (از جهت قانون یا عرف) که برای کسی یا اشخاصی نسبت به شخصی (مانند حق قصاص) یا چیزی (اعم از عین منفعت یا عقد) اعتبار شده است که صاحبان یا صاحب حق (ذو الحق) به مقتضای آن توانایی می‌توانند در آن شیء یا شخص تصرف نمایند. در واقع، حق مرتبه‌ای ضعیف از ملکیت است (طباطبایی

یزدی، ، ۱۴۲۳: ۹۲). در علم حقوق نیز حق به توانایی شخص بر چیزی یا کسی گفته می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۱۶۹).

شهروندی

در تعریف لغوی، شهروند (citizen) به ساکن شهر اطلاق می‌شود و مراد از شهر، آبادی بزرگی می‌باشد که دارای خیابان‌ها و کوچه‌ها و خانه‌ها و نفوس بسیار است یا به معنای هلال ماه، قمر و یک ماه قمری است (عمید، ۱۳۶۹: ۸۶۱)، لکن در قدیم شهر به معنای کشور بوده است مانند ایرانشهر یعنی مملکت و کشور ایران (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۲۳۱۴) یا شهریار که به معنای پادشاه و فرمانروای کشور است (عمید، ۱۳۶۹: ۸۶۲). در فرهنگ عمید و معین این اصطلاح تعریف نشده است. شهروند در فرهنگ لغت دهخدا این گونه تعریف شده است؛ «اهل یک شهر یا یک کشور» و همچنین آمده است که پسوند «وند» در واژه شهروند در واقع «بند» بوده است یعنی شخصی که به شهری بند و متصل است. ولی به مرور زمان تبدیل به «وند» شده است. و «ی» موجود در شهروندی یای نسبت بوده است؛ یعنی هر چیز مربوط به شهروند (پروین، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۱۳۸۷: ۹۰/۷۲). در کتاب‌های لغت فارسی نیز بند به معنای زندان، حصار، دیوار دور شهر، زندانی، اسیر، محصور شده در شهر، بند شده در شهر و «شهربندی» به معنای زندانی بودن ذکر شده است و «بندی» به معنای گرفتار، اسیر، زندانی که جمع آن بندیان می‌شود، آمده است (انوری، ۱۳۸۳: ۱۴۴۱؛ دهخدا، ۱۳۴۹: ۱۰۹/۳۳؛ عمید، ۱۳۶۹: ۳۱۹)

مفهوم شهروند و شهروندی

شهروند ترجمه فارسی citizen (سیتی‌زن) است. این کلمه در ادبیات حقوقی ما سابقه زیادی ندارد و در ایران تا قبل از مشروطیت به جای این واژه از کلمه رعیت و رعایا استفاده می‌شد. در فرهنگ‌های دوزبانه مثل فرهنگ حبیب و آریان‌پور کلمه شهروند به معنای بومی، شهری، اهل شهر، تابع، رعیت، شهرنشینی که از خدمت لشکری و شهربانی آزاد باشد تعریف شده است. ظاهراً اولین فرهنگ فارسی به فارسی کلمه شهروند را این چنین تعریف کرده است کسی که اهل یک شهر یا کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار باشد. (عمید، ۱۳۶۹: ۳۶۹) اما شهروندی در لغت، تبعه یک کشور بودن با احتساب حقوق و وظایفی که برعهده دارد، حالت یک تبعه با حقوق و وظایف، شهرنشینی و شهرگری را گویند. در دانش‌نامه‌ی سیاسی، شهروند فردی است در رابطه با یک دولت که از یک سو برخوردار از حقوق سیاسی و مدنی است و از سوی دیگر در برابر دولت تکلیف‌هایی را دارد، این رابطه را شهروندی گویند.

مفهوم شهروندی همراه با مفهوم فردیت و حقوق فرد در اروپا پدید آمده است. از این رو می‌توان کلمه شهروند را به تبعه ترجمه کرد اگرچه واژه شهروند و تبعه بیان‌گر مفهومی واحد یعنی عضو یک کشور بودن هستند ولی معمولاً واژه تابعیت جنبه خارجی و بین‌المللی و شهروند جنبه داخلی و ملی آن عضویت را در نظر دارد. امروزه شهروندی با تابعیت قرین شده است. (کامیار، ۶۲: ۱۳۸۲) تابعیت عبارت است از یک رابطه سیاسی، حقوقی و معنوی که فردی را به دولتی معین مرتبط می‌سازد. قانون مدنی ایران طی مواد ۹۷۶ تا ۹۹۱ مقررات مربوط به تحمیل تابعیت و تحصیل آن را بیان کرده است و اشخاصی که تابعیت ایرانی کسب می‌کنند شهروند ایرانی محسوب می‌شوند. بنابراین موقعیت شهروند بودن را قانون معین می‌کند و شهروند کسی است که به واسطه تولید یا اعطای قانون شهروندی به عضویت یک کشور و جامعه سیاسی است و دارای علقه وفاداری به آن جامعه سیاسی می‌باشد و مستحق برخورداری از تمام حقوق مدنی و حمایت‌های قانونی می‌باشد.

مفهوم حقوق شهروندی

حقوق شهروندی ترکیبی از دو کلمه حقوق و شهروندی است و گذشته تاریخی‌اش چندان روشن و شفاف نیست. حقوق شهروندی حقوقی است برای اتباع کشور در رابطه با موسسات عمومی همانند حقوق سیاسی، حق استخدام عمومی، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق گواهی دادن در مراجع رسمی، حق داور و مصداق واقع شدن. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ۱۳۷) در جای دیگر حقوق شهروندان را این چنین تعریف می‌کند حقوقی که فقط به سکنه یک شهر از کشوری داده شود (در برابر حقوق مردم کشور به کار رفته است) مثال: در تاریخ حقوق رم انتخابات مخصوص شهر رم بود و سایر اهالی کشور از آن محروم بودند و بعداً این حق شهروندی مردم رم به سایر بلاد ایتالیا داده شد هرچند که عملاً نمی‌توانستند در انتخابات عمومی شرکت کنند. (همان ص ۱۷۲).

ایده بنیادی تحقق حقوق شهروندی و نیز فعال نمودن شهروندان در حق تعیین سرنوشت از سوی افراد است که به عنوان یکی از بنیادی‌ترین حق‌های اخلاقی و بالمال حقوقی در حوزه حقوق مدنی، سیاسی می‌باشد و حق انتخاب کردن و انتخاب شدن از مصادیق بارز حق تعیین سرنوشت محسوب می‌گردد. این حق ریشه در اصل اخلاقی غایت بودن انسان و منع استفاده ابزاری از انسان دارد. از آنجا که انسان‌ها در انسان بودن باهم برابرند اخلاقاً قابل قبول نخواهد بود که انسان‌هایی به خود اجازه دهند بدون رضایت و انتخاب دیگران بر آن‌ها حکم برانند و آزادی آن‌ها را محدود کنند. به عبارت دیگر اساساً نمی‌توان از یک

سو از انسان مسئول اخلاقی و هم‌چنین نظام اجتماعی عادلانه سخن گفت و در عین حال آزادی انتخاب افراد را انکار کرد.

بنابراین حقوق شهروندی به مجموع حقوق و آزادی‌هایی گفته می‌شود که دولت اجرای آن را طبق قوانین داخلی برای اتباع خود تامین و تضمین کرده است و محتوای آن ممکن است از یک کشور به کشور دیگر متفاوت باشد. (طباطبایی موتمنی، ۱۳۸۸: ۹) یا حقوق شهروندی به کلیه حقوقی گفته می‌شود که یک شهروند براساس قوانین و مقررات و ارزش‌های مشترک در یک کشور از آن برخوردار است این حقوق به ویژه در ارتباط دولت مردان با آحاد جامعه مدنظر است که باید از طرف گروه نخست مورد رعایت و احترام قرار گیرد که در قانون اساسی ما زیر عنوان حقوق ملت در فصل دوم از اصل نوزدهم تا اصل چهل‌دوم قانون اساسی معین و مقرر شده است. اصل بیستم قانون اساسی مقرر دارد که «همه افراد ملت اعم زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند (جهانگیر، ۱۳۸۵، اصل ۲۰) و در اصول دوازدهم و سیزدهم و چهاردهم قانون اساسی، دین و مذهب رسمی ایران و حقوق اقلیت‌های دینی، و غیر مسلمانان را تبیین و رعایت اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی و حقوق انسانی را از طرف جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان نسبت به غیرمسلمانان مورد تاکید قرار داده است. از جمیع قوانین و مقررات یاد شده به این نتیجه می‌رسیم که اتباع ایرانی اعم از مسلمانان و غیرمسلمانان به طور برابر و یکسان در حدود مقرر در قوانین از حقوق شهروندی برخوردارند. در عین حال همان‌طور که فرد در برابر اجتماع و حکومت از حقوقی بهره‌مند است در مقابل تکالیفی نیز برعهده دارد که باید انجام دهد این عمل یک عمل یک طرفه نیست و چون فرد از مزایای اجتماع بهره‌مند می‌شود لازم است در مقابل، دین خود را برای جامعه ادا نماید و در ایجاد یک جامعه سالم و مرفه و خوشبخت خود را سهم بداند. بدین ترتیب ارتباطی بین شهروند و دولت به وجود می‌آید که در نتیجه برای هر دو طرف حق و تکلیفی ایجاد می‌شود و به عنوان مثال شهروند از امتیازات سیاسی، اجتماعی برخوردار می‌شود و دولت مکلف است آن را محترم بشمارد و در مقابل شهروند به پرداخت مالیات و رعایت انتظامات دولتی، و انجام وظیفه عمومی و غیره مکلف می‌شود.

جایگاه حقوق شهروندی در اسلام

در بحث از حقوق شهروندی و جایگاه آن در اسلام، پیش از هر نکته‌ای باید به این حقیقت توجه داشت که

اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین الهی در درون خود تمام قواعد، سنت‌ها و ایده‌آل‌های بشری را دارد؛ بدین معنا که می‌تواند پاسخگوی تمامی نیازهای اساسی انسان و جامعه بشری باشد.

همان‌طور که گفته شد، نظام شهروندی به معنای واقعی آن، به معنای برخورداری عموم اعضای جامعه از حقوق و تکالیف برابر است، به گونه‌ای که هیچ تبعیضی از لحاظ سیاسی، اجتماعی و حقوق مدنی میان افراد جامعه وجود نداشته باشد. در باب مسئولیت شهروندان اسلامی، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در بیان گهرباری می‌فرماید: «الا کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیتة» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۲: ۳۸) در همین زمینه گفته شد که در اسلام هر جا صحبت از رعیت شده، مراد همان حقوق شهروندی امروزی است.

در مقام مقایسه جایگاه حقوق شهروندی در میان ادیان و مکاتب بشری، اسلام در عالی‌ترین مرتبه قرار دارد؛ چه آن‌که به انسان در مقام «خلیفه الهی» حقوق و آزادی‌های اجتماعی را داده و در عین حال او را مسؤول و مکلف به شناختن خیر خود و دیگران دانسته است. اساساً در نظام حقوقی اسلام به‌طور کلی حق و تکلیف با هم وجود دارد. از دیگر سو در این نظام حقوقی، نوعی ضمانت اجرای تکلیفی و شرعی نیز به چشم می‌خورد. نکته مهم دیگر این‌که در جامعه اسلامی همه شهروندان از حقوق سیاسی و اجتماعی برخوردارند و در تمام ابعاد جامعه و حکومت مشارکت دارند که در این منظور، مفهوم شهروند حتی به غیر مسلمانان نیز اطلاق می‌شود. در خصوص مسئولیت شهروندان مسلمان در جامعه در قبال یکدیگر پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: هر کس شب را به صبح برساند در حالی که به امور مسلمین اهتمام ندارد، از مسلمانان نیست. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۳: ۲).

از دیگر سو از آن جهت که هدف اسلام، ساختن همه انسان‌ها و دعوت آنها به احراز مقام خلیفه الهی است، تعاون و همکاری در آن اهمیت به‌سزایی دارد، به طوری که در قرآن به عنوان مهم‌ترین منبع حقوق اسلامی با آیاتی روبه‌رو می‌شویم که ما را به همکاری در کار خیر و عدم تعاون بر گناه و زشتی‌ها سفارش می‌کند، (مائده/۲) که به خوبی، نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه خود و مشارکت جمعی در سرنوشت جامعه است

تاثیر رفتار پیامبر بر ترویج حقوق شهروندی

۱- تعلیم و تربیت

یکی از مهم ترین حقوق شهروندی سوادآموزی و برخورداری از آموزش رایگان در مقطعی از تحصیل می‌باشد؛ چرا که هر اندازه جامعه از تحصیلات برخوردار باشد به همان اندازه در زمینه های مختلف پیشرفت می‌کند و این مسأله‌ای بوده که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) هم بر آن توجه فرموده اند.

از جمله کارهای ایشان در این زمینه، تشویق مسلمانان به علم آموختن و سفارش و تأکید بر این امر مهم و بر جای نهادن میراث گرانبها در این زمینه است. در دوران جاهلیت در شبه جزیره عربستان، علم و دانش، رونقی نداشت و تعداد باسوادان بسیار کم (در حدود ۱۷ نفر) بود، (بلاذری، ۱۳۱۷: ۶۵۳) اما با هجرت رسول الله (صلی الله علیه و آله) به مدینه گام هایی برای رونق علم و دانش برداشته شد و از سوی دیگر در مدینه فرصت لازم وجود داشت و حتی پیامبر (صلی الله علیه و آله) از اسیران غزوه ی بدر (سال دوم هجرت) برای تعلیم به جوانان مدینه بهره برد.

نخستین آیات الهی که بر قلب مبارک پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرود آمد، به رسالت آموزشی آن حضرت به فرمان خداوند متعال برای علم آموزی و خواندن، اشاره دارد (علق، آیه ۵-۱)

از آیات سوره مبارک علق این نکته فهمیده می شود که خداوند علیم که خودش بزرگترین معلم جهان خلقت است، به فراگیری علم و دانش و معرفت آموزی ارزش زیادی قائل شده است و ما را به این نکته رهنمون می کند که سرچشمه تعلیم و تعلم در اسلام و در قرآن و سپس در سخنان و احادیث و روایات رسول مکرم اسلام و دیگر ائمه ی اطهار است.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از راه‌هایی مانند ایراد خطابه ها، پند و موعظه، ارشاد و راهنمایی مسلمانان یا از طریق قرائت قرآن و سفارش به نوشتن آن، نوشتن حدیث، مکاتبه و فرستادن مبلغین اسلامی به سایر سرزمین ها همواره مسلمانان را به علم آموزی و خواندن و تعلم و فراگیری دانش تشویق می نمودند و به این صورت اولین سنگ بنای فرهنگ و تمدن اسلامی را بنا نهادند. (ابن سعد، بی تا: ۳۷۳). به تشویق رسول الله (صلی الله علیه و آله)، زیدبن ثابت زبان عبری یا سریانی (یا هر دو) را آموخت و یا فردی مانند «عبدالله بن عباس» بنابر نقل مشهور با کتابهای تورات و انجیل آشنایی یافت یا «عبدالله بن عمرو عاص» به کتاب تورات و به قولی به زبان سریانی وقوف پیدا کرد. (زرین کوب، ۱۳۶۲: ۲۷). این نمونه ها به خوبی بیانگر این مطلب می باشد که حتی از همان زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) با سفارش و تشویق ایشان، اصحابه هم در طلب علم می کوشیدند. رسول الله (صلی الله علیه و آله) در طول ۲۳ سال تلاش در راه اسلام، از همان روزهای آغاز بعثت تا زمان رحلت، در زدودن و از بین بردن جهل و نادانی مردم تلاش نمودند؛ چراکه نادانی می تواند نابودی و هلاکت مردم را فراهم کند و عبارات

حکیمانه و گهرباری از ایشان در زمینه ضرورت تعلیم و علم آموزی، تلاش برای طلب علم و معرفت، مقام معلم و دانشمندان، جایگاه و ارزش قلم، واجب بودن فریضه ی آموختن یادگارمانده است. در اینجا به نمونه هایی از میراث آن حضرت در این زمینه اشاره می شود.

کسب علم از نگاه رسول الله (ص) به اندازه ای ارزش دارد که برای آن باید راه دور و دراز را تحمل نمود، به طوری که می فرمایند: «أَطْلِبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ، فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ؛ دانش را فرا بگیرد، هر چند در چین باشد، چراکه طلب دانش بر هر مسلمانی واجب است» (کلینی، ج ۱، ۳۶) (همان، ج ۳، ۳۹۳۱). «قَيِّدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابِ: دانش را با نگارش و نوشتن به بند بکشید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ۳۵) «الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَ مَفَاتِيحُ السُّؤَالِ، فَاسْأَلُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَإِنَّهُ تُوجَرُ أَرْبَعَةَ السَّائِلِ وَ الْمُتَكَلِّمِ وَ الْمُسْتَمِعِ وَ الْمُحِبِّ لَهُمْ: دانش گنجینه هایی است که کلیدهایش پرشش است. برسید، خدایتان رحمت کند که چهار کسی را مزد برسد: پرشش کننده، پاسخ دهنده، پاسخ شنونده و دوستدار آن» (همان، ۲۷۳).

۲- تساوی عمومی در برابر قانون

با نگاهی به تاریخچه ی نظام اجتماعی ایران و ساختار حکومتی آن می بینیم در گذشته مردم به عنوان رعیت از حقوق و امتیازات محدودی برخوردار بودند. چرا که حاکمان خود را از نژادی برتر می دانستند و حکومت رئیس حکومت بر خلق خدا، به اراده و مشیت خداوند شمرده می شد و جنبه ی الوهیت پیدا کرده بود، چرا که در ایران نیز مانند همه ی ممالک جهان قبل از پذیرش اصل حاکمیت ملی و اجتماعی، نظریه ی حاکمیت الهی پذیرفته و اعلام شده بود. به موجب این اصل منشأ دولت، اراده و مشیت خداوند است و سلاطین نمایندگان هستند از جانب پروردگار که اداره ی امور عمومی به آن ها سپرده شده تنها عاملی که قدرت اجرایی آنان را می توانست محدود نماید، دستورهای دینی و سنت و اخلاق و احیاناً سازمان هایی همچون شورای سلطنت و مجالس نجبا و اشراف بود.

از نظر قرآن انسان موجودی است برگزیده از جانب خداوند، خلیفه و جانشین او در زمین، نیمه ملکوتی و نیمه مادی، دارای فطرتی خدا آشنا، آزاد، مستقل، امانتدار خدا و مسئول خویشتن و جهان، مسلط بر طبیعت و زمین و آسمان، ملهم به خیر و شر، وجودش از ضعف و ناتوانی آغاز می شود و به سوی قوت و کمال سیر می کند و بالا می رود اما جز در بارگاه الهی و جز با یاد او آرام نمی گیرد. ظرفیت علمی و عملیش نامحدود است، از شرافت و کرامتی ذاتی برخوردار است، احیاناً انگیزه هایش هیچگونه رنگ

مادی و طبیعی ندارد، حق بهره‌گیری مشروع از نعمت‌های خدا به او داده شده است ولی در برابر خدای خویش وظیفه دار است.

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نیز بر اساس آموزه‌های قرآنی و اسلامی اصل مساوات را که از حقوق شهروندی است در تمام امورات حکومت مدینه برقرار ساخت و سعی نمود، تا با همگان به طور یکسان رفتار شود و هیچ‌گونه فرقی بین آنان نباشد، آن حضرت تمام افراد جامعه اسلامی را مانند، دندان‌های شانه با هم برابر و مساوی می‌دانست و معتقد بود که انسان‌ها هیچ مزیت و برتری بر یکدیگر جز تقوا ندارند. «الناس سواء کاسنان المشط؛ مردم چون دندان‌های شانه مساویند». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۲، ۳۴۸)

دین مبین اسلام تمام انسان‌ها را برابر می‌داند و کلیه تفاخرها و امتیازات نژادی و اختلافات طبقاتی و برتری جویی‌های اجتماعی را نفی کرده و به صراحت اعلام کرده است:

«یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و ائثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم» (حجرات/۱۳)

راوی چنین می‌گوید: سلمان فارسی داخل مسجد شد، رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از جای خویش بلند شد احترامش نمود و او را در کنار خویش در صدر مجلس نشاند و به تناسب سن و شخصیتش او را اکرام نمود. در این هنگام عمر داخل شد و چنین صحنه‌ای را دید، گفت این عجمی کیست که در میان عرب در صدر مجلس نشسته است. پیامبر اکرم با شنیدن این سخن بر منبر رفت و خطبه خواند و فرمود: "ای مردم از زمان آدم تا به امروز... عرب را بر عجم و ... برتری و فضلی نیست، مگر به تقوا" (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ۸۹).

۳- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

خویش

نمونه‌ای از تحقق حقوق شهروندی این است که شهروندان به طور داوطلبانه امکانات خود را جهت کمک به پیشرفت و بهبود شرایط به کار می‌گیرند. شهروندان فعال با توجه به تخصص و استعداد خود در سازمانها و کمیته‌های محلی گوناگون نظیر انتخابات ریاست جمهوری، خبرگان، مجلس شورای اسلامی، شوراهای شهر و روستا و مشارکت در احزاب و سازمان‌های مردم‌نهاد و سازمان‌های غیردولتی عضویت فعالیت می‌کنند. شرکت در نشست‌ها و اجتماعات شهری، حضور در محکمه‌های عمومی، هیات منصفه

یا هیات‌های حل اختلاف، مشارکت در پروژه‌های اجتماعی برای پیشرفت جامعه و همچنین یافتن مشکلات و راه‌حل آن‌ها بسیار سودمند خواهد بود. همچنین شرکت در انتخابات و رأی دادن نمونه دیگری از حقوق شهروندی است حق رای در عین حالی که، از نظر بسیاری، از جمله مسئولیت‌های شهروندی محسوب می‌گردد اما در واقع یک امتیاز نیز می‌باشد. کسانی که رأی نمی‌دهند در واقع صدایشان در دولت شنیده نمی‌شود.

قبل از هر رأی‌گیری، اطلاعات مربوط به موضوع یا نامزدها باید بصورت شفاف به اطلاع شهروندان برسد.

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) با وجود بهره‌مندی از عقل کامل و ارتباط با مبدأ وحی، در مسائل مختلف اجرایی و اجتماعی، در جنگ و صلح و دیگر امور مهم، با یاران خود مشورت می‌کرد و رأی اکثریت را ترجیح می‌داد. هر چند مشکلاتی از این ناحیه پدید می‌آمد، ولی برکت‌های مشورت، از زیان‌های احتمالی آن بسیار بیشتر بود. از امام رضا (علیه السلام) نقل شده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) همواره با یاران خود درباره امور مختلف مشورت می‌کرد و سپس تصمیم نهایی را می‌گرفت و با این رفتار خود یکی دیگر از حقوق شهروندی را در جامعه ترویج می‌دادند.

ایشان هم خود اهل مشورت بود و هم به دیگران سفارش می‌کرد که تنها به رأی و نظر خود اعتماد نکنند و به رایزنی با دیگران و آگاه شدن از دیدگاه‌های آنان همت گمارند. زمانی که علی علیه السلام را به یمن اعزام می‌کرد، به او فرمود: «یا علیُّ ولا نَدِمَ مَنْ اسْتَشَارَ؛ ای علی! پشیمان نشد، آن کس که مشورت کرد». (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ۱۳۶: ۱۳۶)

۴- هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد

یکی از مسایل عصر، شیوه تعامل نظام‌های سیاسی با اقلیت‌های مختلف دینی، قومی، نژادی و... است. از این رو است که در جامعه جهانی، تاریخچه حمایت از حقوق اقلیتها، پیشینه‌ای قابل توجه خصوصاً در قرن بیستم دارد. از این رو در کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد، سخن از اعتقاد و عمل به مذهب به عنوان حقوق اقلیت‌ها است و حق ابراز عقیده و مذهب در عبادات و رسوم مذهبی و همچنین عمل به مذهب و تعلیم آن مورد تأکید است و در اعلامیه‌های رفع کلیه اشکال تبعیض مذهبی و اعتقادی (نوامبر ۱۹۸۱) مجمع عمومی، [سازمان ملل] آزادی فکر و وجدان (نفس)، مذهب یا عقیده را به صورت عملیاتی تعریف نموده‌اند و یا سخن از حق عدم اعمال تبعیض علیه اقلیتها و... است.

از جمله حقوقی که اسلام برای شهروندان یک جامعه قرار داده این است که هیچ کس را نمی‌توان به جهت داشتن اعتقاد خاص، مورد آزار و تذیت قرار داد از این رو قرآن می‌فرماید «لا إكراه فی الدین: در دین هیچ اجباری نیست» (بقره/۲۶۵) همه باید با میل و اراده خود به اسلام بگرایند؛ نه تنها در دین اجبار وجود ندارد بلکه سایر ادیان هم تا زمانی که مخل نظم جامعه نیستند می‌توانند در کنار مسلمانان زندگی کنند و در عین حال، هیچ کس حق تعرض به ما، جان و ناموس آن‌ها ندارد.

قرآن در جایی می‌فرماید «و لاتسبوا الذین یدعون من دون الله فیسبوا الله عدوا بغير علم کذلک زینا لکل امه عملهم ثم الی ربهم مرجعهم فبینهم بما کانوا یعملون(انعام.۱۰۸) معبود کسانی را که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید مبادا آنها (نیز) از روی ظلم و جهل خدا را دشنام دهند، این چنین برای هر امتی عملشان را زینت دادیم سپس بازگشت آنها به سوی پروردگارشان است و آنها را از آنچه عمل می‌کردند آگاه می‌سازد»

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز با اهل کتاب و سایر آیین‌ها، رفتار مسالمت‌آمیزی داشتند و در حیطه اخلاق گرامی آن حضرت (صلی الله علیه و آله) فرق و تفاوتی میان کافر و مسلمان، دوست و دشمن و خویش و بیگانه وجود نداشت و آن ابر رحمت بر دشت و چمن به طور یکنواخت می‌بارید. یهود بغض شدید با آن حضرت (صلی الله علیه و آله) داشت و تک تک وقایع تا زمان وقوع غزوه خیبر شاهد بر این امر است. مثلاً یک بار یکی از یهود در بازار اظهار داشت «سوگند به آن ذاتی که موسی را بر تمام پیامبران برتری داده است» یکی از پرورش یافته گان مکتب نور و پروانه شمع نبوت آن را شنید و نتوانست آن را تحمل کند. از وی پرسید: آیا بر محمد (صلی الله علیه و آله) نیز برتری داشت؟ او گفت آری: صحابی از شدت خشم سیلی محکم به سوی او روانه کرد. از آن جا که دشمن نیز به عدل و اخلاق منجی بشریت اعتماد داشت آن یهودی مستقیماً به محضر ایشان رفت و از آن صحابی شکایت کرد. آن حضرت بر صحابی خشم گرفت و او را مورد سرزنش قرار داد (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ۸۱).

۵- تامین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد

زن در سرزمین‌های متمدن، مانند روم، یونان و غیره در حکم حیوانات اهلی بود و یا همانند مملوک مطیع مرد بود. در بسیاری از ملل و سرزمین‌ها حق مالکیت و یا تصرف در اموال را نداشت و در تمام امور مالی، تحت فرمان مرد بود و مرد هر تصمیمی که می‌گرفت، زن حق اعتراض یا دخالت در تصمیم او نداشت. این وضعیت به حدی اسفناک بود که حتی در برخی قبایل، مورد خرید و فروش

قرار می‌گرفت و گاه از سوی مرد به دیگری اهدا می‌گردید. (طباطبایی، ۱۳۳۹؛ ۱۸). بی‌سواد بودند در جامعه‌ای زندگی می‌کردند که ظلم و ناامنی، جنگ و خونریزی، فقر اقتصادی و دزدی رواج داشت. مردان عرب پیش از اسلام، از آزادی‌های جنسی زیادی در داخل یا خارج خانواده برخوردار بودند. در حجاز، زنان و دختران را همانند کالا می‌پنداشتند و آن‌ها را از حقوق خود محروم می‌کردند، بلکه آنان را جزء اموال می‌شمردند و به ارث می‌بردند (جوادی آملی، ۱۳۸۸؛ ب؛ ۱۴۴).

یکی از بدبختی‌هایی که گریبانگیر اولاد عرب بود، این بوده که به دست پدران خود کشته می‌شدند، پدران از ترس تهی‌دستی، فرزندان خود را می‌کشتند (قرآن کریم) و دختران خود را زنده به گور می‌کردند. (قرآن کریم) و بدترین خبر و وحشت‌زاترین بشارت این بود که به او بگویند؛ همسرت دختر آورده است (طباطبایی، ۱۳۳۹؛ ۴/۲۲۴۱-۲۴۴) عرب جاهلی، زن را به مکر و کید می‌شناختند و او را به مار مثل می‌زدند، فکر و اندیشه زن سست و ضعیف و نظرخواهی با وی نشانه‌ی حماقت است و چون می‌خواستند به سست‌رایی کسی مثال بزنند آن را به رأی‌النساء تشبیه می‌کردند. (جوادی علی/۱۹۸۷: ۴-۶۱۸).

با ظهور اسلام، زن از مقام و موقعیتی والا برخوردار گردید و دین اسلام، حقوق پایمال شده‌ی او را اعاده نمود. قرآن در سوره‌های نساء آیه‌ی ۱۲۴ احزاب، فتح آیه‌ی ۵-۶ و حجرات آیه‌ی ۱۳ و... به تساوی زن و مرد در بهره‌مندی از رسیدن به کمال و مقام بندگی، یا ابتلاء به انواع عذاب‌ها به دلیل مخالفت با دین، اعلام نموده و سرنوشت کسانی برای مرد مومن و زن مومن، مرد صالح و زن صالح و برای مرد کافر و زن کافر و مرد مشرک و زن مشرک ترسیم نمود.

پیامبر (ص) به رعایت حرمت و ارزش‌های ایشان پای می‌فشرد و می‌کوشید قالب‌های فکری متحجّر جامعه‌ی جاهلی را در خصوص زنان، دگرگون سازد و ایشان را در خلقت مساوی با مردان معرفی کند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «مَنْ كَانَ لَهُ أَنْثَى فَلَمْ يُبْدِهَا وَ لَمْ يُهِنِّهَا وَ لَمْ يُؤْتِرْ وَ لَدَّهْ عَلَيَّهَا أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ؛ آن که دارای دختر است، او را از خود نراند، اهانتش نکند، پسران را بر او مقدم ندارد، خدا وی را وارد بهشت می‌کند». (نوری، ۱۴۰۸؛ ۱۵-۱۱۸).

۶- امنیت اجتماعی

شهروندی که در جامعه اش از امنیت برخوردار نباشد، در واقع سرمایه‌های مادی و معنوی اش تهدید می‌شود. امروزه یکی از کارکردهای مثبت دولت‌ها و شاخص‌دهی به آنان، میزان امنیتی است که برقرار

کرده اند. همگی اتفاق نظر دارند که جوامع ناامن از حیث اقتصادی و فرهنگی عقب مانده اند و مشکلات روانی بسیاری گریبان گیر مردم آن است. اگر در کشوری دولتی ناکارآمد بر سر کار باشد، گروه های غارتگر بسیار فعال خواهند شد و در این صورت، اولین قربانی، کرامت و حرمت شهروندان بی دفاع است. در بند ۲ ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، امنیت اجتماعی از حقوق حقه تمام بشریت دانسته شده است. در اسلام نیز امنیت اجتماعی مقوله ای بس مهم است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: «الْإِنِّ دِمَائِكُمْ وَأَمْوَالِكُمْ وَأَعْرَاضِكُمْ عَلَيَّكُمْ حَرَامٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳، ص: ۱۶۵) امیرمؤمنان (ع) نیز در نامه به مالک اشتر، امنیت اجتماعی افراد را بزرگ ترین وظیفه حکومت اسلامی معین کرده است. حضرت پس از آنکه زیور آلات یک زن ذمی توسط مزدوران اموی در شهر «انبار» غارت شد، چنین فرمودند: «فَلَوْ أَنَّ إِمْرَأَ مُسْلِمٍ مَاتَ مِنْ هَذَا أَسْفَافًا، مَا كَانَ بِهِ مَلُومًا» (کلینی، ۱۳۶۰، ج ۹۵، ص: ۳۶۳).

این کرامت که از آن به حیثیت ذاتی (INHERENT) نیز تعبیر می شود حقی است که تمامی انسان ها به صرف انسان بودن و بی هیچ گونه استثنایی از آن برخوردارند و رنگ و نژاد و آیین و گویش و گرایش، جنسیت و وضعیت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و غیره در آن دخلی ندارد و این همان است که آفریدگار جهان با جمله زیبای: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» بدان تصریح نموده است. روایات اسلامی نیز بدین مضمون گواهی داده و این مهم را به صراحت اعلام نموده اند؛ نمونه بارز آن سخن گهربار پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) در واپسین روزهای عمر خویش و در حجة الوداع است که با بیانی شیوا و دلنشین فرمود: «إِيَّهَا النَّاسُ أَلَا إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَأَنْ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ، أَلَا لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى أَعْجَمِيٍّ وَلَا أَعْجَمِيٍّ عَلَى عَرَبِيٍّ، وَلَا أَسْوَدٌ عَلَى أَحْمَرَ وَلَا أَحْمَرٌ عَلَى أَسْوَدٍ إِلَّا بِالتَّقْوَى» ای مردم خدای شما یکی است و همه از یک پدر آفریده شده اید، آگاه باشید نه عرب بر عجم برتری دارد و نه عجم بر عرب، نه سیاه بر سرخ و نه سرخ بر سیاه، میزان برتری تنها تقواست.» (مجلسی، ۱۳۰۳، ج ۳۱، ص: ۳۵).

نکته مهم اینکه حضرت پیامبر (صلی الله علیه و آله) از حاضران خواسته تا این پیام را به گوش غایبان نیز برسانند و این نشانه جهانی بودن این حقیقت و پیام است و اینکه اسلام چنین حقی را برای نفس آدمی می داند، بی هیچ استثنایی از حیث نژاد و رنگ و زمان و مکان و امثال آن.

۷- آزادی و حق برخورداری از کسب و کار و مالکیت مشروع

قانون اساسی، نه همانند نظام مارکسیسم مالکیت را به طور کلی حذف و نادیده گرفته است و نه همانند نظام سرمایه داری غرب آن را بی قید و بند گذاشته است، بلکه بر اساس تعالیم حیات بخش اسلام،

مالکیت خصوصی را به رسمیت شناخته است. اما ابزارها و راه هایی را نیز پیش بینی کرده که در صورت رعایت آنها، بی عدالتی و ثروت اندوزی های نامشروع و بی حدّ و حصر، مهار خواهد شد. اصل ۴۶ می گوید: هرکس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی تواند به عنوان مالکیت، نسبت به کسب و کار خود، امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند.

این حقی است که پیامبر هم آن را به رسمیت شناخته است روش عملی پیامبر (صلی الله علیه و آله) نمونه بارز اصل می باشد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) با یهودیان مدینه داد و ستند می کردند و از آنان وام می گرفتند. (حر عاملی، ۱۴۰۹، باب ۵ و ۱۸). حضرت علی (علیه السلام) با اهل ذمه رفتاری مشابه داشتند تا آنجا که در کار کشاورزی اجیر آنها می شدند و در سایر روابط اقتصادی نیز فرقی بین ذمیان و مسلمانان قایل نمی شدند. (عباسعلی عمید زنجانی، ۱۳۷۰: ۱۹۳).

۸- حق آزادی بیان و عقیده

حق آزادی بیان و عقیده و آزادی عمل در انجام اعمال مذهبی توسط اقلیت ها، از مهم ترین حقوق شهروندی است. مطالعه ی سیره پیامبر اسلام (ص) در دعوت گروه های مختلف اهل کتاب که در شبه جزیره ی عربستان و یا مناطق مجاور سکونت داشتند و توصیه هایی که آن حضرت (صلی الله علیه و آله) به هیأت های اعزامی مبلغین و نمایندگان رسمی و نامه بران داده می شد با توجه به مضمون نامه ها و پیام ها و متن قراردادهای می تواند ما را به میزان احترامی که اسلام به عقیده و ایمان گروه های مخالف، مخصوصاً اهل کتاب قائل است رهنمون باشد. موضوع آزادی و احترام به عقیده و محکومیت اصل اجبار و تحمیل، تنها ویژه ی مسائل اعتقادی نبوده در عمل نیز جاری است. اسلام اجبار غیر مسلمانان را به انجام مراسم و آداب اسلامی محکوم می شمارد تا آن جا که مرحوم محقق در شرایع می گوید: مرد مسلمان هرگاه همسر یهودی یا نصرانی داشته باشد، نمی تواند وی را به انجام غسل وادار نماید.

پیامبر اکرم (ص) به نمایندگان و علماء و روحانیون اقوام غیر مسلمان که به مدینه می آمدند، احترام بسیار می گذاشت و اجازه می داد آزادانه انتقادات و اشکالات خود را بازگو کنند و خود با آنان از طریق برهان و استدلال گفتگو می کرد (عمید زنجانی، ۱۳۷۰: ۱۵۷-۱۵۸)

در دوران خلافت پنج ساله ی حضرت علی (علیه السلام) به بهترین وجهی حق آزادی بیان و سایر آزادی های مشروع رعایت شد و شیوه ی برخورد وی با متعصب ترین و بی منطق ترین مخالفان حکومتش یعنی گروه خوارج، گواه این مدعاست.

منع تجسس، حفظ آزادی های فردی و حفظ حریم خصوصی اشخاص، گر چه می تواند جزو گروه حقوقی مدنی باشد، اما علاوه بر جنبه های حقوق مدنی دارای جنبه های حقوق سیاسی نیز می باشد. در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید (جلد اول، ص ۱۸۲) آمده است که عمر شبی را به گشت زنی در مدینه مشغول بود که در برابر خانه ای صدای زن و مردی را شنید و به شک افتاد، از دیوار خانه بالا رفت و وارد خانه شد. زن و مردی را دید که جلوی آنها ظرف شرابی قرار داشت. خطاب به آن مرد گفت: ای دشمن خدا آیا می پنداری خداوند کار تو را مخفی نگه می دارد، در حالی که به معصیت او مشغولی؟ سپس آن مرد به عمر گفت: اگر من یک خطا مرتکب شدم تو مرتکب سه خطا شده ای. زیرا خداوند در قرآن فرموده است تجسس نکنید (و لا تجسسوا - حجرات، ۱۲) و تو به تجسس در کار ما پرداختی. خداوند فرموده از در خانه وارد شوید (و اتوا البیوت من ابوابها - بقره، ۱۸۹) و تو از دیوار وارد شدی. خداوند فرموده تا از اهل خانه اذن نگرفتید وارد نشوید و وقتی وارد شدید سلام کنید (یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستانسوا و تسلموا علی اهلها (نور، ۲۷) و تو بی اذن وارد شدی و سلام نکردی. سرانجام عمر آنها را رها کرد و رفت (مهرپور، ۱۳۷۲: ۱۵۵).

نتیجه گیری

شهروند به کسی گفته می شود که از حقوق مدنی، سیاسی یک جامعه ی دولت - ملت بهره مند است و این موضوعی است در برخی اصول قانون اساسی ایران مطرح شده و از همان ابتدای اسلام، مورد توجه قرآن و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مورد توجه قرار گرفت و ایشان با تأسیس مدینه النبی این حقوق را پایه ریزی کرده و سپس با رفتار و منش خود، سعی در گسترش این حقوق کردند. از جمله حقوق شهروندی که در قانون اساسی ایران آمده، حق تحصیل رایگان تا دوران متوسطه، حق امنیت، حق آزادی بیان، تساوی زن و مرد در حقوق انسانی و ... است و متقابلاً حضرت محمد (ص) هم این حقوق را مراعات می کردند به طوری که ایشان در زمانی که صاحب دختر شدن موجب وهن اعراب می شد، دخترشان را مورد تکریم قرار دادند، و بدین ترتیب حقوق بانوان را پایه ریزی فرمودند و به جای دریافت پول برای آزادی اسیران، تعلیم سواد بر مسلمانان را به عنوان مزد آزادی قرار دادند، اجازه دادند یهودیان و مسلمان و مسیحیان در کنار هم با آرامش زندگی کنند بدون اینکه، ایشان را مجبور به پذیرش عقاید خود کنند.

نظر به کرامت والای انسان در شریعت مبین اسلام و سیره حضرت محمد (ص) حکومت جمهوری ایران نیز در اصول متعدد قانون اساسی و از جمله در فصل سوم یعنی حقوق ملت حقوق شهروندی را مورد تاکید قرار داده است. در راستای عملیاتی نمودن امر فوق در دولت تدبیر و امید نیز امهات این بحث از قبیل: حق حیات، سلامت و کیفیت زندگی، حق کرامت و برابری انسانی، حق آزادی و امنیت شهروندی، حق مشارکت در تعیین سرنوشت، حق اداره شایسته و حسن تدبیر، حق آزادی اندیشه و بیان، حق دسترسی به اطلاعات، حق دسترسی به فضای مجازی، حق حریم خصوصی، حق تشکل، تجمع و راهپیمایی، حق تابعیت، اقامت و آزادی رفت و آمد، حق تشکیل و برخورداری از خانواده، حق برخورداری از دادخواهی عادلانه، حق اقتصاد شفاف و رقابتی، حق مسکن، حق مالکیت، حق اشتغال و کار شایسته، حق رفاه و تأمین اجتماعی، حق دسترسی و مشارکت فرهنگی، حق آموزش و پژوهش، حق محیط زیست سالم و توسعه پایدار، حق صلح، امنیت و اقتدار ملی در منشور حقوق شهروندی طرح گردیده است و دولت و مسئولان کشوری ملزم به اجرای آن و تکریم و پاسداشت حقوق حقه شهروندان گردیده اند.

فهرست منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، امالی، تهران، نشر اعلمی، ۱۳۷۶ش.
۲. انوری، حسن و همکاران، فرهنگ بزرگ سخن، چاپ دوم، تهران، سخن، ۱۳۸۲ش.
۳. ابن سعد، طبقات الکبری، دارالکتب العلمیه ۱۴۱۰ه.ق بیروت
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق.
۵. احمد بن یحیی، بلاذری، فتوح البلدان، قاهره، شرکه طبع العربیه، ۱۳۱۸، ص ۶۵۶
۶. انوری، حسن، فرهنگ فشرده سخن، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۳ش.
۷. آذر داد، لادن، ۱۳۸۹، جایگاه حقوق شهروندی در مراجع شبه قضایی، انتشارات جاودانه جنگل، چاپ اول، تهران، ص ۱۲
۸. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۸۱، مسبوط در ترمینولوژی حقوق، انتشارات کتابخانه دانش، تهران
۹. جواد علی، (۱۹۸۷) المفصل فی تاریخ العرب، بیروت: دارالعلم للملایین
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). زن در آینه جلال و جمال، چاپ نوزدهم، قم: مرکز نشر اسراء
۱۱. جهانگیر، منصور، ۱۳۸۵، قانون اساسی، چاپ بیست و پنجم، تهران، اصل ۲۰
۱۲. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۹ش.
۱۳. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید جلد اول، ص ۱۸۲
۱۴. شریعتی، روح ... (۱۳۸۵)، حقوق اقلیت ها در حکومت نبوی، فصلنامه ی تخصصی دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام)، س نهم، ش ۳۵
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، بی چا، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق
۱۶. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، حاشیه کتاب المکاسب، تحقیق شیخ عباس محمد آل صباغ القطیفی، بیروت، دارالمصطفی لاحیاء التراث، ۱۴۲۳ق.
۱۷. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۳) تفسیر المیزان، چاپ دوم، بیروت: منشورات الاعلمی للمطبوعات
۱۸. _____، (۱۳۸۸) زن در قرآن، چاپ اول، قم، مرکز نشر اسراء
۱۹. طباطبایی مومنی، منوچهر، ۱۳۸۸، آزادی های عمومی و حقوق بشر، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم
۲۰. عمید زنجانی، عباسعلی حقوق اقلیت ها، چاپ پنجم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۲۱. عمید، حسن، ۱۳۶۳، فرهنگ فارسی عمید، چاپ اول، انتشارات امیر کبیر، تهران، ذیل واژه شهروند

۲۲. فراهیدی، الخلیل بن احمد، کتاب العین، تحقیق مهدی المخرومی و ابراهیم السامرای، ایران، مؤسسه الدار الهجره، ۱۴۰۹ق.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۰
۲۴. کامیار، غلامرضا، حقوق شهری، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۲ش
۲۵. گرجی، ابوالقاسم، حق و حکم و فرق میان آنها، مجله مطالعات حقوقی و قضایی، ش ۱، ۱۳۶۴.
۲۶. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت (علیه السلام) لاحیای التراث
۲۷. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، تحقیق عبدالکریم ربانی شیرازی، ج ۲۲، ص ۳۴۸، بیروت، لبنان، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳، چاپ اول
۲۸. منشور حقوق شهروندی، معاونت حقوقی ریاست جمهوری و مرکز بررسی های استراتژیک، تهران، ۱۳۹۵.

